

تأملی بر نظام هزینه - فایده در حقوق کیفری

تاریخ دریافت: ۸۷/۸/۱

تاریخ تأیید: ۸۷/۹/۶

۱۲۱

جعفر یزدیان جعفری*

حقوق اسلامی / سال پنجم / شماره ۲۰ / بهار ۱۳۸۸

چکیده

با تخصیص صحیح منابع عدالت کیفری می‌توان به فایده کاهش جرم در آینده دست یافت، ولی اینکه کدام راهکار برای این منظور انتخاب شود تا نظام هزینه - فایده به نفع مجازات باشد، مستلزم بررسی دقیق هزینه‌های هر یک از مکانیزم‌های فایده‌گرایانه مجازات شامل بازدارندگی، بازپروری و ناتوان‌سازی بزهدار و نیز ارضای بزهدیده است. در این مقاله ابتدا هزینه‌های جرم و مجازات، فارغ از نوع روش پیشگیری کیفری بررسی خواهد شد، سپس هزینه‌های اعمال مجازات بنا بر نوع هدف فایده‌گرایانه مجازات تحلیل خواهد شد.

واژگان کلیدی: هزینه، فایده، جرم، مجرم، مجازات.

* استادیار دانشگاه کاشان (j_yazdian@yahoo.com).

مقدمه

سودانگاری در مجازات، متأثر از این دیدگاه که اعمال بشری باید براساس نتایج آن ارزیابی شود، قدمتی طولانی دارد. نخستین قرائت نظام‌مند سودانگاری به‌وسیلهٔ بنتام ارائه شد. به عقیدهٔ بنتام طبیعت، انسان را در سیطرهٔ دو خداوندگار قرار داده است؛ یکی لذت و دیگری آلم. همهٔ اعمال، گفتار و تفکرهای ما متأثر از همین اصل فایده است. این اصل نه تنها بر افراد بلکه بر دولت نیز حاکم است؛ یعنی همه به دنبال افزایش لذت و کاهش آلم هستند. وظیفهٔ حکومت براساس اصل فایدهٔ ترویج خوشی در جامعه است؛ وظیفه‌ای که بخشی از آن را به‌واسطهٔ مجازات انجام می‌دهد. بدین ترتیب مجازات اگرچه ذاتاً شرّ است، ولی وقتی خوشی و لذت بیشتری تولید کند، قابل توجیه است (Bentham, 1995: 285). از منظر بنتام به‌عنوان یک فایده‌گرا، نتیجهٔ مفید مجازات، همان کاهش جرم است. اهمیت این نتیجه (تقلیل بزهکاری) از آن جهت است که جرم، عملی است که در گذشته واقع شده است، در حالی که آینده لایتناهی و نامحدود است. جرم به‌طور مستقیم بر قربانی تأثیر می‌گذارد، در حالی که جرایم آینده امکان تأثیر بر هر شخصی را دارد و بالأخره اینکه صدمهٔ حاصل از جرم معمولاً قابل اصلاح نیست، در حالی که جرایم آینده همیشه قابل پیشگیری‌اند. با توجه به این دلایل، پیشگیری از جرایم آینده هدف اصلی و عامل توجیه‌کنندهٔ کیفر است (Primoratz, 1989: 19).

حال اگر مجازات باعث کاهش بزهکاری در آینده شود، آیا هزینه‌های آن قابل رقابت با هزینه‌های بزهکاری هست یا نه؟ به‌عبارت دیگر، آیا در موازنهٔ نهایی می‌توان مدعی شد به‌رغم هزینه‌هایی که برای اعمال نظام عدالت کیفری کرده‌ایم، نفع بیشتری حاصل شده است؟ در واقع برای جرم‌انگاری یک رفتار باید معیارهای سه‌گانهٔ اصول، پیش‌فرض‌ها و کارکردها را در نظر گرفت. منظور از اصول این است که آیا عمل موضوع جرم‌انگاری در صلاحیت دولت است و به او ارتباط دارد؟ به‌عبارت دیگر، آیا ماهیت عمل به‌گونه‌ای است که به پایه و اساس نظم عمومی صدمه وارد کند؟ منظور از پیش‌فرض‌ها این است که آیا استفاده از نظام‌های کنترل‌کنندهٔ غیرکیفری مثل نظام حقوق مدنی، اداری، انضباطی یا انتظامی مؤثرتر است یا نه؟ و بالأخره مقصود از

کارکردها این است که آیا منافع جرم‌انگاری دربارهٔ یک عمل، از مضرات آن بیشتر است یا نه؟ (عبدالفتاح، ۱۳۸۲: ۱۲۶-۱۲۷).

بحث ما دربارهٔ پرسش سوم یعنی کارکرد نظام عدالت کیفری است. می‌خواهیم بدانیم مضرات یا به تعبیر تخصصی‌تر، بهای بزهکاری برای جامعه چیست؛ زیرا فقط با شناخت این هزینه‌هاست که می‌توان پی برد آیا با مجازات کردن آن رفتار و در نتیجه جلوگیری از وقوع جرم، نظام هزینه - فایده به نفع هزینه خواهد بود یا به نفع فایده؟ روشن است این ارزیابی با توجه به نبود شناخت کافی، دشواری‌های فراوانی دارد؛ زیرا بسیاری از عوامل را مشکل بتوان کمی کرد و مطالعات هنوز در مراحل نخستین و ابتدایی گام برمی‌دارد، به همین دلیل هنوز جنبهٔ قطعی و قانع‌کننده به خود نگرفته است (پرفیت، ۱۳۸۷: ۶۲). با وجود این، ابتدا هزینه‌های جرم و مجازات را به‌طور اجمالی از نظر خواهیم گذراند (گفتار اول)، سپس به‌طور مفصل هزینه‌های اعمال مجازات را به تفکیک هریک از اهداف فایده‌گرایانهٔ آن بررسی خواهیم کرد (گفتار دوم).

۱. هزینه‌های جرم و مجازات

۱-۱. هزینه‌های جرم

هزینه‌های جرم را می‌توان به دو دستهٔ پیش و پس از وقوع جرم تقسیم کرد.

۱-۱-۱. هزینه‌های پیش از وقوع جرم

مقصود از هزینه‌های پیش از وقوع جرم، همهٔ هزینه‌هایی است که دولت از خزانهٔ عمومی و افراد معمولی برای جلوگیری از وقوع جرم می‌پردازد. ظاهراً توجه این هزینه‌ها بر این ایده متکی است که چنین هزینه‌هایی نسبت به هزینه‌های مجازات، با در نظر گرفتن هزینه‌های پس از وقوع جرم مقرون به صرفه‌تر است.

برخی از این هزینه‌ها هزینه‌های مربوط به پیشگیری اجتماعی است که نوعاً دولت متقبل آن می‌شود؛ مانند هزینه‌های مربوط به آموزش و پرورش، ایجاد اشتغال، بهداشت و... البته اهداف پشت سر این هزینه‌ها متنوع است، ولی به‌طور قطع یکی از آنها

جلوگیری از ناهنجاری‌ها و کج‌روی‌های اجتماعی است.^۱ بنابراین، نمی‌توان مدعی شد وقتی جرم کاهش یابد لزوماً در این هزینه‌ها نیز کاهش محسوسی رخ خواهد داد؛ زیرا ممکن است برای تعقیب اهداف و وظایف دیگر، دولت همچنان خود را به صرف این هزینه‌ها ملتزم بداند.

بخش دیگری از این هزینه‌ها به پیشگیری وضعی از بزهکاری مربوط است. این هزینه‌ها که تأثیر مشخصی بر بهای بزهکاری دارند، علاوه بر دولت و مؤسسات عمومی بر افراد معمولی نیز تحمیل می‌شوند. منظور از این هزینه‌ها همه هزینه‌هایی است که برای تغییر اوضاع و احوال پیش از وقوع جرم صورت می‌گیرد تا با ایجاد آماج‌های جرم، هزینه بزهکاری را برای مجرم بالقوه بیشتر کند و از این راه مانع بزهکاری شود. روش مزبور بر این پیش‌فرض مبتنی است که می‌توان از راه کاهش درجه آسیب‌پذیری آماج‌هایی که در حال حاضر فرصت‌های آسان بسیار زیادی را برای ارتکاب جرم فراهم می‌سازند، از وقوع جرم جلوگیری کرد؛ به‌عنوان مثال نصب زنگ خطر و قفل‌های مناسب‌تر برای پیشگیری از سرقت منازل، نصب برچسب‌های کشف‌کننده سرقت بر روی کالاهای موجود در قفسه‌ها برای پیشگیری از سرقت فروشگاه‌ها، کاربرد مواد نشکن و ضدزنگ برای پیشگیری از خرابکاری و تخریب (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۳۲۳). نمونه‌های دیگر این نوع هزینه‌ها را می‌توان در استفاده از لباس‌ها یا اتومبیل‌های ضدگلوله برای جلوگیری از قتل یا سوء قصد، به‌کارگیری فناوری‌های پیچیده‌تر در چاپ کارت‌های شناسایی و اسکناس برای جلوگیری از جعل آنها و نیز افزایش نیروهای پلیس برای گشت‌زنی‌های بیشتر یا افزایش نور خیابان‌ها و کوچه‌ها برای پیشگیری از همه‌جرائمی که در اماکن عمومی ارتکاب می‌یابند، جست‌وجو کرد.

۱. به‌نظر برخی جامعه‌شناسان، جرم در وهله اول، یک پدیده بهنجار است؛ زیرا در همه انواع اجتماعات دیده می‌شود و عمومیت دارد. وقتی پدیده‌ای بهنجار باشد سودمند نیز هست. اگر جرم را عملی بدانیم که احساسات جمعی را جریحه‌دار می‌کند، نه‌تنها تحریک این احساسات برای حیات اجتماعی ضروری است، بلکه گاهی جرم در شکلی که این احساسات در آینده به خود خواهند گرفت مؤثر است (دورکیم، ۱۳۷۳: ۸۲-۸۳)، ولی به هر حال وقتی آمار جرم از حد متعارف آن تجاوز کند، حالت مرضی به خود خواهد گرفت، درست مثل زمانی که این آمار به‌طور محسوسی از حد متعارف کمتر باشد (همان: ۸۷).

۲-۱-۱. هزینه‌های پس از وقوع جرم

یکی از مبانی جرم‌انگاری، جلوگیری از ورود خسارت در اثر جرم به افراد یا جامعه است. بسیاری از اعمال بدان جهت جرم شناخته شده‌اند که منتهی به ایراد خسارت می‌شوند.

برخی از این خسارت‌ها همان زیانی است که جرم برای نظم و آرامش عمومی دارد. از آنجا که انجام هرگونه فعالیت مثبت در جامعه مستلزم وجود درجه‌ای از امنیت است، شکی نیست که وقوع جرایم بر این فعالیت‌ها اثر سوء دارد؛ به‌عنوان مثال اگر احساس ترس و ناامنی در اثر وقوع جرایم افزایش یابد، انجام فعالیت‌های اقتصادی روزانه مردم که می‌تواند به تولید اقتصادی در جامعه منجر شود، با مشکل روبه‌رو می‌شود. در اینجا نیز برآورد کمی یک مسئله کیفی (ناامنی و ترس)، امری پیچیده و دشوار است، ولی نمی‌توان منکر این خسارت‌ها شد.

بخش دیگر این هزینه‌ها هزینه‌هایی است که جرم به‌طور مستقیم بر بزه‌دیده دارد. قسمتی از این خسارت‌ها، خسارت‌های معنوی است؛ یعنی خسارت‌هایی که بر آبرو و حیثیت افراد وارد می‌شود؛ مانند خسارت‌های جرایم جنسی به‌عنف. برآورد و تخمین این خسارت‌ها نیز پیچیدگی‌های خاص خود را دارد، ولی نباید این پیچیدگی مانع توجه به آن شود. بالأخره هزینه‌های مادی که ملموس‌ترین نوع هزینه‌هاست، هزینه‌های وارد بر جسم یا دارایی بزه‌دیده است. جرایمی مانند قتل، ضرب و جرح، تخریب و... برای بزه‌دیده خسارت‌هایی را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم (عدم‌النفع) وارد می‌سازد که تخمین آنها نسبت به هزینه‌های دیگر آسان‌تر است.

البته باید توجه داشت که به عقیده اقتصاددانان و متخصصان آسیب‌شناسی اجتماعی، برخی از خسارت‌های مستقیم در واقع خسارت نیستند، بلکه نوعی تغییر اجباری دارایی و اموال میان افراد جامعه محسوب می‌شوند (پرفیت، ۱۳۸۷: ۶۲)؛ به‌عنوان مثال، در جرایمی مانند سرقت، کلاهبرداری یا خیانت در امانت، اموال حاصل از جرم فقط دست به دست می‌شود و گرنه میزان کلی آن تغییر نمی‌کند. به‌نظر می‌رسد همین استدلال در خسارت مادی جرایم عمومی‌تر مانند اختلاس و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی نیز درست باشد، اگرچه خسارت‌های ناشی از

جرایم اقتصادی دیگر همچون جرایم گمرکی یا تقلبات مالیاتی را باید در محاسبه بهای بزهکاری لحاظ کرد (همان: ۶۳).

۱-۲. هزینه‌های مجازات

مقصود از هزینه‌های مجازات، هزینه‌هایی است که حکومت صرف کشف، تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات می‌کند.

۱-۲-۱. هزینه‌های قبل از صدور حکم

بعد از وقوع جرم، نخستین مقامی که مداخله می‌کند، پلیس و ضابطان دادگستری‌اند تا به کشف جرم و دستگیری متهمان همت گمارند. هزینه‌های استخدام نیروی پلیس، آموزش آنها و هزینه‌های مربوط به ایجاد و بهره‌برداری از ایستگاه‌های پلیس از مهم‌ترین هزینه‌هایی است که کاهش آمار کشف جرم می‌تواند بر ارزش‌گذاری این هزینه‌ها تأثیرگذار باشد. شاید یکی از دلایل این ضعف به عدم گسترش نیروی پلیس متناسب با ازدیاد جمعیت، گسترش شهرها و محلات و محول کردن وظایف جدید بر دوش پلیس برگردد که خود می‌تواند به دلیل مشکلات اقتصادی دولت در تخصیص منابع اضافی باشد، اگرچه بی‌توجهی مردم و عدم همکاری آنها در تعقیب جرایم می‌تواند دلیل دیگر این امر باشد (همان: ۱۳۸-۱۳۹).

بنا بر دلایل پیش‌گفته، سیاست نوظهور پلیس در برخی کشورها امتناع از صرف منابع و امکانات تحقیق درباره جرم‌هایی است که احتمال کشف آنها کم است و از دیدگاه مردم نیز اولویت بالایی ندارند (گارلند، ۱۳۸۲: ۷۵۰). با وجود این، به‌نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری در این قسمت نسبت به مراحل دیگر دادرسی ثمربخش‌تر باشد؛ زیرا معمولاً هزینه‌های مرحله پلیسی (کشف جرم و دستگیری متهم) پایین است، ولی منافع آن از حیث بازدارندگی زیاد است در حالی که برعکس، هزینه‌های مرحله صدور حکم و نهادهای اصلاحی و تربیتی زیاد است، ولی منافع آن پایین است (گروهی از نویسندگان شورای اروپا، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

پس از کشف، تعقیب، تحقیق و رسیدگی مراحل بعدی است که مستلزم حضور

عوامل دیگری از نقش آفرینان نظام عدالت کیفری است. دادستان‌ها، دادیاران، قضات تحقیق، دادرسان و اعضای هیئت منصفه در کنار دیگر کارمندان و کارکنان همه پرسنلی هستند که استخدام و آموزش آنها بار مالی زیادی بر بودجه عمومی تحمیل می‌کند، ضمن اینکه به این مجموعه باید هزینه‌های تأسیس و نگهداری دادرها و دادگاه‌ها را نیز اضافه کرد.

برای کاهش این هزینه‌ها سیاست‌های گوناگونی در قوانین کشورها به کار گرفته شده است؛ مانند: تدابیر استفاده از روش جریمه فوری، بایگانی کردن پرونده، تعلیق تعقیب و معامله بر سر اتهام.^۱

۲-۱-۲. هزینه‌های بعد از صدور حکم

بخش اجرای احکام کیفری یکی از پرهزینه‌ترین بخش‌هاست که در مقایسه با دعاوی غیرکیفری، جلوه خاصی دارد. از آنجا که هدف از رسیدگی کیفری نیل به اهداف مجازات است. تأمین این اهداف مستلزم اجرا یا به تعبیر بهتر، اعمال مجازات به روش خاصی است که نوعاً هزینه‌بر است. توضیح اینکه در مقایسه با برخی مجازات‌ها که اجرای آنها برای دولت ممکن است در نهایت سودآور نیز باشد مثل جزای نقدی، مصادره اموال یا کار عام‌المنفعه، در اغلب موارد اعمال احکام نیازمند به‌کارگیری پرسنل، تجهیزات و اماکن خاص است که در رأس این‌گونه مجازات‌ها زندان است. هزینه‌های مستقیم زندان شامل هزینه مکان‌ها و ساختمان‌ها، کارکنان، غذا، لباس، هزینه

۱. جریمه فوری یکی از ابزارهای سیاست جنایی است که مطابق آن با پرداخت مبلغی جریمه در مدت معین توسط متهم به صندوق دولت، دعاوی عمومی ساقط می‌گردد (آشوری، ۱۳۷۵: ۱۹۴). بایگانی کردن پرونده و تعلیق تعقیب، دو تأسیس دیگری است که مطابق با آن مرجع تعقیب در صورتی که اقامه دعوا علیه متهم را مفید تشخیص ندهد، مجاز است در جرایم کم‌اهمیت برای همیشه به بایگانی کردن پرونده و در سایر جرایم به صورت موقت به تعلیق تعقیب اقدام کند (همان: ۸۳)؛ زیرا در چنین مواردی، جرم سبک و هزینه تعقیب و دادرسی سنگین است و از طرفی تأثیر مجازات یا اقدامات تأمینی در برگرداندن مجرم به زندگی شرافتمندانه اجتماعی محرز نیست (آخوندی، ۱۳۶۵: ۹۹).

معامله بر سر اتهام یا چانه‌زنی با متهم به معنای توافق دادستان و متهم بر اقرار متهم به جرم سبک‌تر یا یکی از اتهامات و در ازای آن عدم تعقیب دادستان برای جرم سنگین‌تر یا اتهام‌های دیگر است (گارنر، ۱۳۸۴: ۱۱۹۰).

پزشکی و... و هزینه‌های غیرمستقیم نیز شامل زیان‌های مادی و معنوی ناشی از عدم حضور زندانی در جامعه، گسترش بیماری‌های عفونی، اعتیاد و... است؛ مثلاً در اواخر دهه ۱۹۹۰ هزینه نگهداری ۱/۷ میلیون زندانی در امریکا حدود چهل میلیارد دلار برآورد شده است و در انگلستان و ولز این هزینه دو میلیارد پوند بوده است (آشوری، ۱۳۸۲: ۵۵). به همین دلیل در امریکا از دهه ۱۹۷۰ تلاش زیادی برای بهبود کارایی فرایند عدالت کیفری به عمل آمده است. از این زمان به بعد مسئله هزینه‌های عدالت کیفری به یکی از ویژگی‌های اصلی بحث‌های سیاستگذاری تبدیل شد. در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شاهد سلسله ابتکارهایی برای تغییر محکومیت‌ها از شکل‌های پرهزینه بازداشت و زندان، به ضمانت اجراهای کم‌هزینه‌تر مانند تعلیق مراقبتی فشرده، خانه‌های نیمه‌راهی و پادگان‌های اصلاحی و آموزشی هستیم (گارلند، ۱۳۸۲: ۷۴۵)؛ به‌عنوان نمونه اجرای تعلیق مراقبتی فقط در ایالت آریزونا، معادل پس‌انداز خالص سالیانه یکصد تا یکصد و پنجاه میلیون دلار صرفه‌جویی داشته است. بنابراین، تردیدی نیست که اگر نسبت به زندان موفقیت‌آمیزتر نباشد، حداقل کم‌هزینه‌تر است (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۸۵). البته درباره مقرون به صرفه بودن برخی از این جایگزین‌ها اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ مثلاً برخی درباره نظارت الکترونیک، به جرئت به کم‌هزینه بودن آن در مقایسه با هزینه‌های زندان باور دارند و برخی نیز معتقدند افزون بر مخارج نخستین، برای تجهیزات نظارت الکترونیکی هزینه‌های دیگری مثل پرداخت اضافه کاری به مأموران نظارت برای انجام وظیفه خود، هزینه آموزش کارکنان برای استفاده از تجهیزات پیچیده و هزینه آموزش قضات را نیز باید به این مخارج اضافه کرد که در نهایت باعث صرفه‌جویی در پول نخواهد بود (همان: ۴۱۰). چنان‌که طرح انگلستان درباره استفاده از نظارت الکترونیک، به دلیل نبودن منابع مالی به مرحله اجرا درنیامد، در حالی که یکی از اهداف آن صرفه‌جویی اقتصادی بود (کوهن، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

به‌جز استفاده از جایگزین‌ها، سیاست دیگر برخی کشورها فرایند خصوصی‌سازی است که نخست در امریکا و از نیمه دهه ۱۹۸۰ در انگلستان اتفاق افتاد. آنچه زمانی در انحصار قوای دولتی بود، به مقاطعه‌کاران خصوصی و غیرانتفاعی واگذار شد. این فرایند

کارکردهای گوناگونی همچون: وظایف مربوط به تأمین امنیت افراد برای حضور در دادگاه، نظارت مستمر بر بهره‌وران آزادی مشروط، خدمات تخصصی مربوط به زندان، ساخت و مدیریت نهادهای کیفری و... را دربرمی‌گیرد (گارلند، ۱۳۸۲: ۷۴۷).

۲. هزینه‌های مجازات، به تفکیک اهداف آن

نحوه رسیدن به فایده کاهش جرم با توجیحات گوناگونی بیان شده است. اینکه مجازات در چه فرایندی به کاهش جرم منجر می‌گردد، توجیحات مختلف آینده‌نگر مجازات را تشکیل می‌دهند. گفته می‌شود مجازات به چهار روش گوناگون می‌تواند از وقوع جرایم آینده پیشگیری کند: ترساندن مجرم یا دیگران، اصلاح مجرم، ناتوان‌ساختن مجرم و ارضای مجنی‌علیه. سه توجیه اول بر محوریت مجرم و توجیه اخیر بر محوریت زیان‌دیده از جرم است.^۱ در ادامه به بررسی هزینه‌های دنبال‌کردن هریک از این مکانیسم‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۱. بازدارندگی

بازدارندگی یک استراتژی اجبارمحور است و اجبار یعنی به‌کارگیری بالقوه یا بالفعل زور برای اعمال نفوذ بر کنش یک کارگزار مخیر (فریدمن، ۱۳۸۶: ۵۱). در مفهوم وسیع، بازدارندگی جنایی مربوط به اصل پیشگیری از جرم است؛ یعنی هر نوع ابزاری که برای پیشگیری از جرم عمل کند، ولی در معنای مضیق، بازدارندگی فقط در صورتی به پیشگیری از ارتکاب جرم اشاره دارد که از راه تهدید افراد نسبت به عواقب ناخوشایند ارتکاب جرم (بازداشت، محاکمه، محکومیت و مجازات) حاصل شود (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

۱. در این مقاله، مقصود ما از فایده‌گرایی به‌واسطه مجازات، اغلب کاهش جرم از راه اعمال و اجرای مجازات بر مجرمان است، وگرنه نفس اعلام جرم بودن عملی در قوانین و حتی میزان مجازاتی که برای آن تعیین می‌شود، با اثر نمادین خود می‌تواند در افزایش آگاهی‌های عمومی و تغییر نظر مردم درباره آن اعمال مؤثر باشد، به شرطی که این مجازات‌ها خیلی شدیدتر یا خفیف‌تر از حد انتظار افکار عمومی نباشد؛ زیرا در غیر این صورت، با خطر پس‌زنی و مخالفت جامعه روبه‌رو می‌شود.

برای بازدارندگی مجازات با توجه به قبول منطق حسابگری در انسان، لازم است زیان حاصل از مجازات بر نفع حاصل از جرم غلبه داشته باشد. معمولاً در تعیین زیان مجازات باید به سه مؤلفه توجه داشت که تقویت هر کدام از آنها نوعاً مستلزم صرف هزینه‌های اضافی است. این سه مؤلفه عبارت‌اند از: شدت مجازات، سرعت و حتمیت آن.

درباره شدت مجازات، فرض بر این است که حداقل با افزایش آن تا اندازه خاصی می‌توان بر کاهش جرم اثر گذاشت (زیرا تشدید بی‌رویه مجازات نه تنها اثر بازدارنده بیشتر ندارد، بلکه به دلیل کاهش حتمیت آن، اثر معکوس بر جای می‌گذارد). در اینجا افزایش طول مدت، یکی از روش‌های شایع است، ولی جامعه تا چه حد می‌تواند پاسخگوی هزینه‌های جدید ناشی از تشدید مجازات باشد. البته همان‌گونه که قبلاً گفته شد، تشدید برخی مجازات‌ها مثل جزای نقدی در عین اینکه اثر ارعابی بالاتری ایفا می‌کنند، جنبه درآمدزایی برای دولت نیز دارند. همچنین در برخی موارد که تشدید به صورت تبدیل مجازات است، می‌توان کاهش قابل ملاحظه در هزینه‌ها را شاهد بود؛ مثل وقتی که مجازات حبس ابد به اعدام تبدیل شود.

سرعت و حتمیت در مجازات همواره رابطه مستقیم با افزایش بازدارندگی آن دارد، در حالی که بهبود در این دو جنبه هزینه‌بر است؛ به عنوان مثال برای افزایش حتمیت لازم است درصد کشف جرم و دستگیری مجرم افزایش یابد و برای این افزایش، به کارگیری پرسنل انتظامی بیشتر و نیز استفاده از ابزار و تکنولوژی پیشرفته‌تر قطعاً ضروری است. درباره سرعت نیز وضع بر همین منوال است. کاهش فاصله میان کشف جرم و مجازات موکول به استفاده از تعداد بیشتر مقامات قضایی است، علاوه بر این لازم است به افزایش اطلاعات و علم آنها همت گماشت.

با همه این تفاسیر، برای برخی مجرمان نفع جرم از زیان هر مقدار مجازات و با هر میزان حتمیت و سرعت، بالاتر است. افرادی که مجازات را نوعی بهای اعمال خود می‌دانند مثل مجرمان معتقد یا متعصب، روشن است که صرف هزینه برای مرعوب کردن این افراد کاری بیهوده و غیراقتصادی است.

۲-۲. اصلاح و درمان

روش دیگری که می‌توان برای کاهش جرم به‌کار گرفت، اصلاح مجرمان است؛ یعنی با به‌کارگیری برخی تدابیر در ضمن مجازات‌های موجود، زمینه‌بازپروری آنها را فراهم کنیم. البته در این اواخر مجازات‌های جدیدی ابداع شده‌اند که بیشتر با هدف اصلاحی و برای برخی مجرمان خاص به‌کار می‌روند؛ مثل کار عام‌المنفعه (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۸: ۸۷).

اما از نظر اقتصادی، معلوم نیست نظریه اصلاح و درمان تا چه حد مورد پذیرش جامعه باشد. برای رسیدن به اهداف اصلاحی باید به هر ابزاری که لازم است متوسل شد. تردیدی نیست که هزینه بقای نظام کیفری موجود، هزینه بالایی است، ولی این هزینه هرگز نمی‌تواند نامحدود باشد. پرسش این است که آیا مردم حاضرند در وضعیتی که بیشتر شهروندان قانون‌مدار از امکانات درمانی و اصلاحی لازم محروم‌اند، اجازه دهند این امکانات به مجرمان اختصاص یابد؟ جامعه به اندازه کافی با شهروندان قانون‌مدار مشکل دارد. بیکاری، آموزش و پرورش، بهداشت و تأمین امکانات رفاهی وقتی در ارتباط با جمعیت غیرزندانان در نظر گرفته می‌شوند، پیچیده‌اند، پس چرا انرژی خود را در حوزه‌هایی از زندگی اجتماعی که شانس موفقیت در آنها بیشتر است [نظیر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و نیز تدابیر غیرحسبی مناسب] متمرکز نکنیم؟ (Clarkson and Keating, 1998: 51).

در اینجا ممکن است طرفداران روش‌های اصلاحی استدلال کنند هرچند هزینه‌های اصلاح و درمان بالاست، ولی باید توجه داشت که سلامت هر جامعه تا حدی می‌تواند از روش برخورد با مجرمان سنجیده شود. فعالیت مجرمانه فقط ناشی از بدخواهی فرد نیست، بلکه به محیط اجتماعی او نیز مربوط می‌شود. رفتار مجرمانه نتیجه کوتاهی مشترک فرد و جامعه‌ای است که او بخشی از آن است؛ در نتیجه جامعه باید تا حدی مسئولیت مجرم را برعهده بگیرد و حداقل برای بازپروری مجرم تلاش کند (تامیم، ۱۳۸۱: ۳۰). بنابراین، استحقاق مجرم برای مجازات، دیگر بهانه‌ای برای توجه کمتر به وی نخواهد بود، ولی در این راه نباید افراط کرد؛ زیرا اگر با محدودیت منابع قرار بر اولویت‌گذاری در برنامه‌ها باشد، به‌سختی می‌توان قائل شد که برنامه اصلاح و درمان

مجرمان، اولویت‌های پیشگیری اولیه را تحت‌الشعاع قرار دهد. توجه بیشتر به مجرمان فقط تا این حد قابل توجیه است که به‌عنوان جلوه‌ای از عدالت توزیعی محرومیت اجتماعی بیشتر مجرمان، مستلزم تخصیص منابع بیشتر به آنها باشد.

۲-۳. ناتوان‌سازی یا سلب توان بزهکاری

ناتوان‌سازی معمولاً بر این استدلال مبتنی است که هدف ارعابی یا اصلاحی مجازات دربارهٔ برخی مجرمان کارگر نیست. این مجرمان تا آنجا که می‌توانند به ارتکاب جرم ادامه می‌دهند. در این باره، تنها راه جامعه برای حمایت از خود، ناتوان‌ساختن آنها از ارتکاب جرم یا کنارگذاشتن آنهاست.

یکی از برخوردهای مجازات‌های ناتوان‌ساز با مفاهیم فایده‌گرایی، مشکل هزینه‌ای آن است. توضیح اینکه از دلایل عمدهٔ گرایش به ناتوان‌سازی، کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری از راه پایین‌آوردن آمار زندانیان است. موافقان معتقدند افزایش جمعیت زندانیان باعث نگرانی در زمینهٔ اصلاح مجرمان از راه زندان، کاهش روحیهٔ کارکنان زندان، کاهش امنیت زندان‌ها، افزایش خطر شورش و... می‌شود و این در حالی است که هزینه‌های تأسیس و راه‌اندازی زندان‌های جدید بسیار بالاست و امکان افزایش ظرفیت زندان‌های موجود برای دولت‌ها با محدودیت روبه‌روست. ناتوان‌سازی انتخابی (انتخاب مجرمان خطرناک که احتمال تکرار جرم دارند، برای ناتوان‌ساختن از ارتکاب جرم) باعث کاهش مجازات‌های مجرمانی است که احتمال ارتکاب جرم به‌وسیلهٔ آنها در آینده کمتر است و این یعنی کاهش آمار زندانیان (Blumstein, 1983: 88)، ولی در جهت عکس نیز می‌توان دلایلی مبنی بر افزایش هزینه‌ها اقامه کرد. با ناتوان‌ساختن مجرم، اگرچه ممکن است او را از انجام کارهای بد بازداریم، ولی همزمان وی را از انجام کارهای خوب نیز برای خودش و جامعه محروم می‌کنیم و معلوم نیست ارزش کارهای خوب محکوم، کمتر از زیان کارهای بد او باشد. مجرمی که محکوم به حبس ابد می‌شود، درست است امکان ارتکاب خیلی از جرایم را از دست می‌دهد، ولی امکان انجام بسیاری از فعالیت‌های مفید را نیز از دست خواهد داد. به‌علاوه اگر هم مجرم واجد نفع مهمی برای جامعه نباشد، اجرای

مجازات ناتوان کننده گاهی برای جامعه مستلزم هزینه‌های بالایی است که معلوم نیست با نظریه هزینه - فایده سازگار باشد؛ مثلاً امنیت بالایی که محکومان به زندان ابد نیاز دارند. این مجرمان چون امیدی به آزادی ندارند، اداره آنها مشکل است. معمولاً زندانیانی که امکان عفو دارند، به خاطر از دست دادن این امکان واهمه دارند، ولی محکومان به حبس ابد را نمی‌توان از این راه تهدید کرد. بنابراین، کنترل آنها باید شدیدتر و البته با هزینه بیشتری باشد؛ مثلاً نگهداری در سلول‌های انفرادی یا نگهداری با مراقبان بیشتر (Walker, 1991: 36). هزینه ایجاد هر سلول در ایالات متحده طبق برخی برآوردها بین پنجاه تا هفتاد و پنج هزار دلار است و این جدای از هزینه راه‌اندازی آن است (Blumstein, 1983: 90).

۴-۲. ارضای زیان‌دیده

خشم به حق، تألم خاطر مشروعی است که بزه‌دیده احساس می‌کند. این احساس رنجش تا زمانی که عامل ایجاد آن در محضر عدالت حاضر نشود، تسکین نمی‌یابد. پس مجازات می‌تواند برای اقناع احساس رنجشی به کار رود که به طور طبیعی در قربانی جرم ایجاد می‌شود. این اقناع از آن جهت که جلوی انتقام‌های شخصی قربانی را می‌گیرد و مانع از آن می‌شود که وی خودش قانون را به دست گیرد، به نوعی باعث کاهش جرم در آینده می‌گردد.

هدایت مجازات به سوی اقناع بزه‌دیده در برخی موارد محتاج استفاده از روش‌هایی است که هزینه‌های جدیدی به مجازات اضافه می‌کند. جبران کیفری از نمونه‌های آن است که در آن جبران خسارت به مجازات افزوده می‌شود؛ مثلاً کار در زندان برای جبران خسارت قربانی به مجازات حبس افزوده می‌شود. جبران کیفری در واقع تلاشی است برای به دست آوردن امتیازات جبران خسارت ساده و امتیاز مجازات صرف. بنابراین، مجرم در این نوع جبران، همچنان مقصداری ناملایمت را به عنوان مجازات متحمل می‌شود (Barnett, 1995: 392). به لحاظ نظام هزینه‌ای، اگرچه در این موارد با یک واکنش فواید مجازات و جبران خسارت به دست می‌آید، ولی باید توجه داشت

ایجاد اشتغال برای زندانی ولو برای جبران زیان قربانی باشد، با همان چالش‌های اقتصادی مواجه است که در بحث اصلاح گفته شد.

نتیجه

دنبال کردن سودانگاری می‌تواند فایده کاهش جرم را به همراه داشته باشد و الگویی برای مصرف بهتر منابع باشد، ولی کاهش جرم، هدف مقبولی است که اولاً، رسیدن سیستماتیک به آن محتاج اطلاعات بیشتری در مورد مکانیسم‌های اجرایی آن است و فقدان این اطلاعات ممکن است بودجه‌ای را که برای کاهش جرم تخصیص یافته است، هدر دهد؛ ثانیاً، ممکن است در برخی موارد این کاهش مستلزم صرف هزینه‌هایی گزاف باشد؛ هزینه‌هایی که با مبانی فایده‌گرایی در تضاد است و به‌طور مسلم با محدودیت منابع، کاهش جرم نمی‌تواند به هر بهایی باشد. شاید بررسی واقع‌بینانه‌تر هزینه‌های اعمال نظام عدالت کیفری به آن منجر شود که در جرم‌انگاری برخی از جرایم یا حداقل در نوع و مقدار مجازات‌های آنها تجدیدنظر شود.

منابع

۱. آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری؛ چاپ اول، ج ۱، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵.
۲. آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری؛ چاپ اول، ج ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۵.
۳. آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین؛ چاپ اول، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
۴. پرفیت، آلن؛ پاسخ‌هایی به خشونت؛ ترجمه: مرتضی محسنی، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
۵. تامیم، استفن؛ وضعیت زندان‌ها؛ گردآوری: راجر ماتیوس، پیت فرانسیس، زندان‌ها در هزاره سوم، ترجمه: لیلا اکبری، تهران: انتشارات راه تربیت، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۶. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی؛ «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران»؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳، تهران، ۱۳۸۸.
۷. دورکیم، امیل؛ قواعد روش جامعه‌شناختی؛ ترجمه: علی محمد کاردان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۸. عبدالفتاح، عزت؛ «جرم چیست و معیارهای جرم‌انگاری کدامند؟»؛ ترجمه و توضیح: اسماعیل رحیمی‌نژاد، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۴۱، تهران، ۱۳۸۲.
۹. فریدمن، لارنس؛ بازدارندگی؛ ترجمه: عسگر قهرمان پوربناب و روح‌الله طالبی آرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
۱۰. کوهن، آندره؛ «مراقبت الکترونیکی»؛ ترجمه: حمیدرضا جاویدزاده، مجله فقه و

- حقوق، ش ۲، قم، ۱۳۸۳.
۱۱. گارلند، دیوید؛ «پاسخ‌های انطباقی مدرنیسم کیفری»؛ ترجمه: محمد فرجیها، مجموعه مقالات علوم جنایی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
 ۱۲. گارنر، برایان ای؛ فرهنگ حقوقی بلاک؛ چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
 ۱۳. گروهی از نویسندگان شورای اروپا؛ گزارش جرم‌زدایی اروپا؛ ترجمه: حمید بهره‌مند بگ نظر و دیگران، چاپ اول، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
 ۱۴. نجفی ابرنآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید؛ دانشنامه جرم‌شناسی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
 15. Barnett, Randy E, *Restitution: A new paradigm of criminal justice, from: crime and punishment*, By: Gorr, Michael J, Harwood, sterling, printed in U.S.A, jones and Bartlett publishers, 1995.
 16. Bentham, Jeremy, *The utilitarian theory of punishment, from: crime and punishment*, By: Gorr, Michael j, Harwood, Sterling, printed in U.S.A, Jones and Bartlett publishers, 1995.
 17. Blumstein, Alfred, *Selective incapacitation as a means of crime control, American behavioral scientist*, Volume 27, No: 1, 1983.
 18. Clarkson, C.M.V, Keating, H.M, *Criminal law: Text and Materials*, London, seewt and maxwell, Fourth edition, 1998.
 19. Cottingham, john, *The philosophy of punishment*, From: An encyclopedia of philosophy, by: Parkinson, G.H.R, London, Routledge, 1989.
 20. Primoratz, Igor, *Justifying legal punishment*, printed in U.S.A, Humanities press international, First publishes, 1989.
 21. Walker, Nigel, *Why punish?*, New York, oxford university press, 1991.